خبر روز

«متری شیش و نیم» نامزد اسکار فرانسه شد

با معرفی اسامی نامزدهای جایزه سزار فرانسه ۲۰۲۲ «متری شیش‌ونیم» از ایران به‌عنوان یکی از نامزدهای بهترین فیلم خارجی انتخاب شد. در بخش بهترین فیلم بین‌المللی علاوه‌بر «متری شیش‌ونیم»، «کوپه شماره۶»، «ماشینم را بران»، «اولین گاو»، «بدترین فرد جهان»، «مادران موازی» و «پدر» نامزد کسب جایزه شده‌اند. در بخش بهترین فیلم «توهمات گمشده»، «آنت»، «الین»، «کشتی شمال»، «اتفاق»، «تقسیم» و «اونودا، ۱۰ هزار شب در جنگل» نامزد کسب جایزه هستند. در بخش بهترین کارگردانی نیز والری لمرسیه، لئوس کارکس، سدریک خیمنز، آدری دوان، خاویر جیانولی، آرتور هراری و جولیا دوکورنو نامزد دریافت جایزه شده‌اند.

چاپ چهارم روایت زندگی یکی از شهدای هواپیمای اوکراینی

همزمان با جشن امضای کتاب «تور تورنتو» نوشته محمدعلی جعفری و پس از گذشت تنها دو هفته از چاپ اول، این کتاب به چاپ چهارم رسید.
این کتاب روایتی از زندگی دانشجوی شهید امیرحسین قربانی یکی از شهدای حادثه هواپیمای اوکراین است. نویسنده در این کتاب با نگاهی متفاوت به این حادثه، عاشقانه‌های زندگی امیرحسین و شخصیت جذاب و خاص او را از زبان پدر روایت می‌کند. محمدعلی جعفری از دل شخصیت‌های این پرواز، قصه‌ای متفاوت و خاص را روایت کرده است. این کتاب در ۱۴۱ صفحه و باقیمت ۴۹ هزار تومان توسط انتشارات روایت فتح روانه بازار کتاب شد و در همین مدت کوتاه به چاپ چهارم رسید.

پیمان عباسی
فیلم‌نامه‌نویس

زهره کهندل | فیلم سینمایی «مرد نقره‌ای» به کارگردانی محمدحسین لطیفی فیلمی قهرمان‌محور با محوریت هویت ملی و احترام به پرچم ایران است، هویت و پرچمی که نه فقط برای یک کهنه‌سرباز، که برای یک نوجوان ورزشکار هم اهمیت دارد؛ نوجوانی که در مسابقات مدال نمی‌گیرد اما با افتخار و قهرمانانه پرچم کشورش را بالا می‌برد. این اثر چندمین همکاری لطیفی با پیمان عباسی در مقام نویسنده است. عباسی اصلی‌ترین انگیزه‌اش برای نگارش فیلم‌نامه مرد نقره‌ای را اهتزاز پرچم ایران دانسته و می‌گوید: «ما یک تصویر ذهنی از پایان فیلم داشتیم که چند پسربچه، پرچم ایران را بالا ببرند و مردم در سالن‌های سینما بلند شوند و برای اهتزاز پرچم ایران توسط نوجوان‌های این مرزوبوم کف بزنند، ما این پایان را می‌خواستیم و این اتفاق افتاد». به بهانه اکران فیلم «مرد نقره‌ای» با پیمان عباسی فیلم‌نامه‌نویس گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

گفت‌وگو با پیمان عباسی، نویسنده «مرد نقره‌ای» که این روزها روی پرده سینماهاست

فیلمی نوجوانانه به احترام پرچم

■ جرقه نوشتن فیلم‌نامه «مرد نقره‌ای» چطور زده شد؟

ماجرا از یک ایده ساده شروع شد؛ اینکه نوجوانان و جوانان ما دارند هویت ملیشان را فراموش می‌کنند و یادشان می‌رود ایرانی بودن چقدر قشنگ و باشکوه است. به دنبال این بودیم که چه کنیم تا این مفهوم دوباره زنده شود و احساس غرور را در فرزندانمان تقویت کنیم. این تفکر مشترک من و سرمایه‌گذار اثر، آقای عبدی بود؛ در واقع با دو کلمه «نوجوان ایرانی» و «پرچم ایران» ایده ساخت این فیلم شکل گرفت.

■ روند تکمیل قصه چطور شکل گرفت؟

آقای عبدی پیش از این با پسرشان امیرکیان عبدی، سریال شیش قهرمان و نصفی را کار کرده بودند. امیرکیان تکواندوکار است و این دو سابقه همکاری پدر و پسری داشتند. ایده از سوی آقای عبدی داده شد و من فیلم‌نامه را نوشتم. همیشه این سؤال برایم مطرح بود که اگر یک ورزشکار نوجوان در مسابقات جهانی به حریفی از رژیم صهیونیستی بخورد چه کار می‌کند؟ این سؤال را از امیرکیان پرسیدم و طی صحبت‌هایی که با هم داشتیم خط اصلی قصه شکل گرفت. اینکه نگاه نوجوان‌ها به مسائل بین‌المللی چیست؟ به برگزاری مسابقات بین‌المللی به عنوان خط اصلی قصه فکر کردیم و دوست داشتم ماجرا در آمریکا بگذرد اما شرایط تولید فیلم در آنجا را نداشتیم. ترکیه را به عنوان نزدیک‌ترین کشور انتخاب کردیم و با این ایده پیش رفتیم که یک گروه تروریستی، جمعی از ورزشکاران نوجوان ملل مختلف را گروگان می‌گیرند و اگر یک همبستگی جهانی بین آن‌ها در برابر تروریست‌ها شکل بگیرد، بچه‌های ایران کجا قرار دارند؟ آرام آرام شیرازه قصه شکل گرفت اما با یک پارادوکس بزرگ در ابتدای کار روبه‌رو شدم. یک سر داستان، ماجرایی تروریستی بود و سر دیگر داستان، نوجوان‌ها. لازمه فیلم تروریستی، خشونت است در حالی که سم فیلم نوجوان، خشونت است. چالشی جدی داشتم که اگر نوجوانان ایرانی قرار است همسالان خودشان را نجات دهند حق ندارند به چاقو یا تفنگ دست بزنند و نباید کسی را بکشند درحالی که کشتن آدم‌ها برای تروریست‌ها مثل آب خوردن است. این یک چالش جدی و پیچیده بود ولی چند بار فیلم‌نامه را نوشتم تا آنچه را می‌خواهم بدست بیاورم. با توجه به سابقه خوب همکاری‌ام با آقای لطیفی، پیشنهاد کارگردانی ایشان را به سرمایه‌گذار دادم. وقتی حسین پای کار آمد با قصه همراه شد و آن را دوست داشت. سلیقه کارگردان هم در فیلم نمود یافت و نتیجه چیزی شد که روی پرده سینما می‌بینید.

■ آقای لطیفی در جایی گفته بود فیلم «مرد نقره‌ای» یک فیلم بزرگسال و جدی است در حالی که بسیاری آن را در ژانر کودک و نوجوان طبقه‌بندی می‌کنند، شما با چه رویکردی فیلم‌نامه را نوشتید؟

جالب است که من و حسین در موضوعات مختلف، اختلاف نظرهای کوچکی داریم ولی این اختلافات در خروجی کار، تأثیری ندارد. من معتقدم فیلم برای مخاطب نوجوان است و با چنین استانداردی هم فیلم‌نامه آن را نوشتم. اگر قرار بود فیلم‌نامه را با استاندارد فیلم بزرگسال می‌نوشتم، حجم درگیری‌ها و خشونت‌ها بیشتر از این می‌شد برای همین خیلی دست به عصا پیش رفتم. فیلم در ژانر کودک و نوجوان و قهرمان داستان هم امیرکیان است، به همین دلیل خشونت قصه را به حداقل رساندم. اینکه یک گروه تروریستی صهیونیست به محل استقرار ورزشکاران نوجوان ملل مختلف حمله می‌کند، به حاشیه رفته و خیلی خشونت کار را پررنگ نمی‌کنم و درام را در اندازه و استاندارد سینمای نوجوان پیش می‌برم. ممکن است فیلم را مخاطب بزرگسال هم ببیند و خوشش بیاید.

■ این اختلاف نظر شما با کارگردان در شناسایی مخاطب هدف، طی روند ساخت فیلم هم تأثیرگذار بود؟

نه، من و حسین هربار هم دعوا کردیم، خروجی مشترکی داشتیم. مثلاً فیلم‌های «روز سوم» و «توفیق اجباری» را با همین اختلاف نظرها ساختیم ولی این چالش را دوست دارم. گاهی این اختلاف نظر بین ما چنان زیاد بوده که اسمم را از تیتراژ کار درآوردم مثل فیلم «اسب سفید پادشاه».

■ به‌هرحال وقتی قرار است وارد ژانر تریلر و تروریستی شوید قطعاً برای مخاطب بزرگسال، قصه با خشونت بیشتری همراه است اما در «مرد نقره‌ای» خشونت جدی نمی‌بینیم و گاهی موقعیت‌های طنز ایجاد می‌شود. از سوی دیگر مشخص است که فیلم، پرهزینه نبوده در حالی که ژانر تریلر و جنایی جزو گونه‌های گرانقیمت در سینمای جهان به‌ویژه هالیوود است؟

همین‌طور است. مثلاً در جایی پسربچه فیلم با ضربه پا، یکی از تروریست‌ها را در داخل استخر پرت می‌کند در حالی که در واقعیت چنین نیست چون تروریست‌ها، افراد تربیت شده و آموزش دیده جنگی هستند و حتی در برابر یک قهرمان تکواندو هم کم نمی‌آورند چون اسلحه در دست آن‌هاست. حتی اگر اسلحه هم زمین می‌افتاد، پسر نوجوان قصه در این ژانر، حق ندارد اسلحه را از روی زمین بردارد و اگر قرار است از ابزاری برای دفاع استفاده کند باید متناسب با سنش باشد مثلاً در جایی دختربچه برای از کار انداختن دوربین‌های مداربسته از دارت استفاده می‌کند یا امیرکیان دو تا نمکدان چوبی را با طنابی به هم وصل می‌کند و نانچیکو می‌سازد؛ در واقع از ابزاری برای دفاع از خودش استفاده می‌کند که برچسب خشونت به آن‌ها نمی‌چسبد.

■ الان که فیلم را روی پرده سینما می‌بینید از خروجی کار رضایت دارید؟

الان که فیلم را می‌بینم دوست داشتم در یکی دو صحنه تغییراتی انجام می‌شد؛ مثلاً روی سکانسی که امیرکیان یکی از تروریست ها را با ضربه پا در استخر می‌اندازد، می‌شد مانور بیشتری داد و چند حرکت قهرمانانه دیگر از شخصیت نوجوان می‌دیدیم. به‌نظرم با بضاعت و بودجه‌ای که داشتیم کار خوبی ساخته شد. آقای عبدی به عنوان سرمایه‌گذار فیلم، توی جیبش دست کرد و از حساب شخصی خودش و خانواده‌اش برای ساخت این فیلم هزینه کرد. سر سوزنی حمایت دولتی نداشتیم نه از سوی ترکیه، نه ایران، نه وزارت ارشاد، نه سازمان اوج، نه هیچ فدراسیونی. هیچ نهادی پشت کار نیامد و فیلم کاملاً با بودجه شخصی ساخته شد، در کشور خارجی آن هم در شرایط گرانی دلار. می‌دانستیم این فیلم با این مضمون قرار نیست خیلی در گیشه بفروشد چون قرار نبود «هزارپا» بسازیم. با بضاعتی که داشتیم فیلم خوبی ساخته شد. آینده مملکت در دست نوجوان‌های این سرزمین است، آن‌ها باید خودشان را روی پرده سینما ببینند و به هویت ملی خود افتخار کنند.

جشنواره چهلم

اعتماد مردم به کارگردان‌های قدیمی

کهندل | نگاهی به وضعیت فروش آنلاین بلیت‌های چهلمین جشنواره فیلم فجر نشان می‌دهد برخلاف نظر هیئت انتخاب این دوره که توجه جدی به فیلم‌اولی‌ها داشتند، آثار کارگردان‌های ناشناخته از سوی مخاطبان سینما با استقبال همراه نبوده است. فیلم «مرد بازنده» ساخته محمدحسین مهدویان در رقابتی بدون رقیبی قدر، گوی سبقت را در فروش بلیت ربود و در دقایق اولیه تمام صندلی‌های ۶ سالنی که تا روز آخر جشنواره به این فیلم اختصاص یافته بود، پر شد. البته سریال «زخم کاری» با بازی جواد عزتی و استفاده مهدویان از این برگ برنده در فیلم جدیدش، در میزان استقبال از «مرد بازنده» بی‌تأثیر نبوده است. ظرفیت صندلی‌های فیلم «خائن کشی» ساخته مسعود کیمیایی هم که ۶ سالن سینمایی را برای اکران در اختیار داشت با نقش‌آفرینی چهره‌هایی همچون مهران مدیری، فرهاد آئیش و پانته‌آ بهرام در ساعات اولیه تمام شد. آثار کارگردان‌های دیگری مانند رضا میرکریمی با «نگهبان شب» و بهروز شعیبی با فیلم «بدون قرار قبلی» هم در فروش آنلاین بلیت‌ها مورد توجه قرار گرفت. «ملاقات خصوصی» ساخته امید شمس هم با اینکه جزو آثار فیلم‌اولی بود اما به دلیل وجود بازیگرانی چون هوتن شکیبا و پریناز ایزدیار جزو آثار پرفروش جشنواره امسال بود که ظرفیت صندلی‌هایش در ساعت‌های اولیه تکمیل شد. باید منتظر اکران آثار فیلم‌اولی‌های این دوره از جشنواره فیلم فجر ماند و دید آیا مانند دوره‌های گذشته جشنواره فجر، کارگردانی تازه‌کار با فیلم اولش شگفتی‌ساز دوره چهلم می‌شود یا میدان رقابت در دست باتجربه‌ها باقی می‌ماند.

خبر

برگزیدگان جایزه «یوسف» معرفی شدند

هیئت داوران دهمین دوره جایزه ادبی «یوسف» در بیانیه‌ای برگزیدگان و شایستگان تقدیر این دوره از جایزه را معرفی کرد.
رتبه اول: داستان «چنارها از برگ خالی نمی‌شوند» اثر اعظم ایرانشاهی
رتبه دوم: داستان «تا جایی که رودخانه می‌رود» اثر سارا شجاعی
رتبه سوم: داستان «انعکاس» اثر ندا رسولی
تقدیر ویژه دفاع مقدس: داستان «اُمِّ خاک» اثر زینب روزبهانی
تقدیر ویژه مدافعان سلامت: داستان «نفس‌های به شماره افتاده!» اثر مرضیه ذاتی
تقدیر ویژه مدافعان حرم: داستان «دوستِ من دَن!» اثر اشرف ظریف رمضانی
تقدیر ویژه: داستان «آسو» اثر زهرا شنبه‌زاده سرخایی
همچنین داستان‌های «نشانی» مائده عبدی کشتلی، «سه فصل عاشقانه» محمدرضا ملکی، «ضیافتی برای ماهی‌ها» اسماعیل محمدپور، «به‌وقت ایران» لیلا غلامی، «چشم‌هایی که همیشه زیبا بود!» اثر حنان سالمی، «همه‌جا راهی است به بهشت» فاطمه اکبری اصل، «فقط می‌دانم من هم آمدم» اثر نجمه خادم‌المؤمنین فولادی، «در می‌زنند» محدثه اکبرپور، «زیر سایه نخل‌ها» اثر فاطمه طوسی، «گروهبان جاسم» اثر ناهید سدیدی و «راز نقاشی پسرم» اثر زهرا کریم‌زادگان مورد تقدیر قرار گرفتند.
هیئت داوران جایزه؛ قاسم علی فراست، محمدمهدی رسولی، مجید قیصری، میرشمس‌الدین فلاح هاشمی و پرویز شیشه‌گران بودند.

اصغر نوری مطرح کرد

برخی از مترجمان ترجمه خود را یک‌بار هم نمی‌خوانند!

اصغر نوری، مترجم در گفت‌وگو با ایسنا درباره اینکه رقابت بین ناشران چه تأثیری بر کیفیت ترجمه دارد، گفت: مسلماً کیفیت را پایین می‌آورد؛ ترجمه درست زمانی اتفاق می‌افتد که مترجم کتاب را سر حوصله بخواند و با دنیای کتاب انس بگیرد و به آن نزدیک شود، کتاب را خوب بفهمد و سعی کند آن را در زبان فارسی بازآفرینی کند، اما وقتی ما زمانی برای آن کار نداریم و می‌خواهیم در رقابت با ناشر دیگر زودتر کتابمان را بیرون بیاوریم، همه این‌ها به فراموشی سپرده می‌شود. گاه مترجمان، کتاب را نمی‌خوانند و همراه با خواندن ترجمه می‌کنند، حتی کتاب را یک‌بار نمی‌خوانند تا حسی از کتاب بگیرند و درباره چیزهایی که بلد نیستند، تحقیق کنند و کتاب را بفهمند. انگار در یک مسابقه دو صدمتر هستند نه دو ماراتن و باید کوچک‌ترین لحظه‌ای را از دست ندهند تا با چندصدم ثانیه اختلاف اول شوند. ناشران تلاش می‌کنند یک هفته زودتر از ناشر دیگر کتاب را منتشر کنند و فکر می‌کنند در این یک هفته می‌توانیم کاری کنیم.
اگر یک رمان را در دو هفته یا یک ماه ترجمه کنم معلوم است کیفیت پایین می‌آید و در انتقال معنا با مشکل روبه‌رو می‌شود، چون مترجم، کتاب را نفهمیده، یا مطلبی را جا انداخته و یا از خود بافته است، از طرف دیگر فارسی کتاب هم خوب نیست و مترجم حتی یک بار ترجمه‌اش را نخوانده است. اگر ویراستاری باشد که خیلی وقت‌ها نیست، دوروزه کتاب را خوانده و غلط‌های گل‌درشت را درست می‌کند و مسلماً این ترجمه سراسیمه، کیفیت بدی خواهد داشت.
او در پایان درباره کتاب‌های جدید خود گفت: آخرین ترجمه من «ادموند گانگلیون و پسر» نوشته ژوئل اگلوف در نشر افق بوده است. چند کتاب دیگر هم زیر چاپ دارم اما چون نزدیک به چاپ نیستند، ترجیح می‌دهم نامشان را نیاورم ولی در ماه‌های آینده کتاب‌های دیگری چاپ خواهم کرد.

نویسندگان پیشنهاد دادند

نمایشگاه مجازی فصلی شود

خدیجه زمانیان: همزمان با برپایی دومین نمایشگاه مجازی کتاب تهران، روز گذشته گزارشی در همین صفحه منتشر شد با محوریت راهکارهای ناشران برای برگزاری بهتر این اتفاق مجازی. در صفحه امروز و در ادامه گزارش، پیشنهادهای نویسندگان را در خصوص برگزاری نمایشگاهی بهتر، بخوانید.
در ابتدا نویسنده کتاب «سلول‌های بهاری» در خصوص تأثیر برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب بر صنعت نشر کشور می‌گوید: یکی از بهترین فرصت‌هایی که کرونا برای صنعت نشر و کتاب‌خوانی ایجاد کرد نمایشگاه مجازی بود. هر چقدر نمایشگاه فیزیکی برای صنعت نشر برکت داشت اما به خاطر متمرکز شدن در تهران موجب می‌شد همه اقشار جامعه به دلایل گوناگون نتوانند از جاهای مختلف در آن شرکت کنند اما در شرایط فعلی همه می‌توانند به نمایشگاه دسترسی داشته باشند.
بهنام باقری با بیان اینکه مردم ما کتابخوان هستند اما نمی‌دانند چه کتابی باید بخوانند، توضیح می‌دهد: چیزی که در این نمایشگاه مشهود است و خیلی استقبال شده خرید و فروش کتاب درسی و دانشگاهی است در حالی که متولیان فرهنگی در روزهای برگزاری نمایشگاه باید در فضای مجازی و رسانه‌ها به تبلیغ و معرفی کتاب‌هایی بپردازند که به لحاظ فرهنگی اثرگذارند، کتاب‌هایی که سراغ ایده‌های نو، سوژه‌های ناب و آدم‌هایی رفته که روش زندگی درست را به مردم آموزش می‌دهند و یا اداره ارشاد برای این کتاب‌ها تخفیف بیشتری درنظر بگیرد.
در ادامه ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و ناشر نشر «ابراهیم» در خصوص تجربه موفق نمایشگاه مجازی کتاب چنین می‌گوید: نباید با از بین رفتن کرونا تجربه برگزاری نمایشگاه مجازی و فروش‌های آنلاین فراموش شود، حتی بهتر است این نمایشگاه‌ها فصلی برگزار شود. او می‌گوید: دوران کرونا فرصت خوبی بود که کتاب‌فروشان بر فروش‌های آنلاین متمرکز شوند و به این صورت کتاب‌هایشان را به دست مخاطب برسانند.

واکنش حمید جبلی به گرانی کاغذ

حمید جبلی که خاطرات زمان کودکی‌اش را در کتابی دوجلدی با نام «خاطرات پسربچه شصت ساله» منتشر کرده، گفته بود این خاطرات در سه جلد منتشر خواهد شد. اما پس از آن اعلام کرد دو جلد بعدی در یک کتاب منتشر خواهند شد. وی درباره این موضوع می‌گوید: «جلد سوم و حتی چهارم هم آماده چاپ است ولی چه کنیم که کاغذ نداریم، نه برای کتاب داستان که حتی نشریات هم با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند و باید نگران قیمت تمام شده کتاب باشیم. چند درصد کتاب می‌خوانند اگر قیمت چندین برابر شود؟»

درحاشیه

میزان فروش نمایشگاه کتاب تا پایان روز سوم

علی رمضانی در پایان سومین روز نمایشگاه مجازی کتاب تهران با اشاره به تعداد نسخه‌های به فروش رسیده در روزهای گذشته، عنوان کرد: ۳۳۰ هزار و ۷۴۶ نسخه کتاب به ارزش ۲۱۸ میلیارد و ۱۴ میلیون و ۵۳هزار و ۳۲۲ ریال از سوی مردم و علاقه‌مندان به کتاب خریداری شده است. همچنین در سه روز اول نمایشگاه ۶۱هزار و ۷۱۸ سفارش ثبت شده که از این تعداد ۴۲هزار و ۷۶ سفارش از سوی ناشران به شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شده است. همچنین ۱۹هزار و ۶۱۰ سفارش در انتظار ارسال است. از ناشران درخواست می‌کنم مرسولات را در سریع‌ترین زمان ممکن به شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران تحویل دهند تا کتاب‌ها در کمترین زمان به دست خریداران برسد.